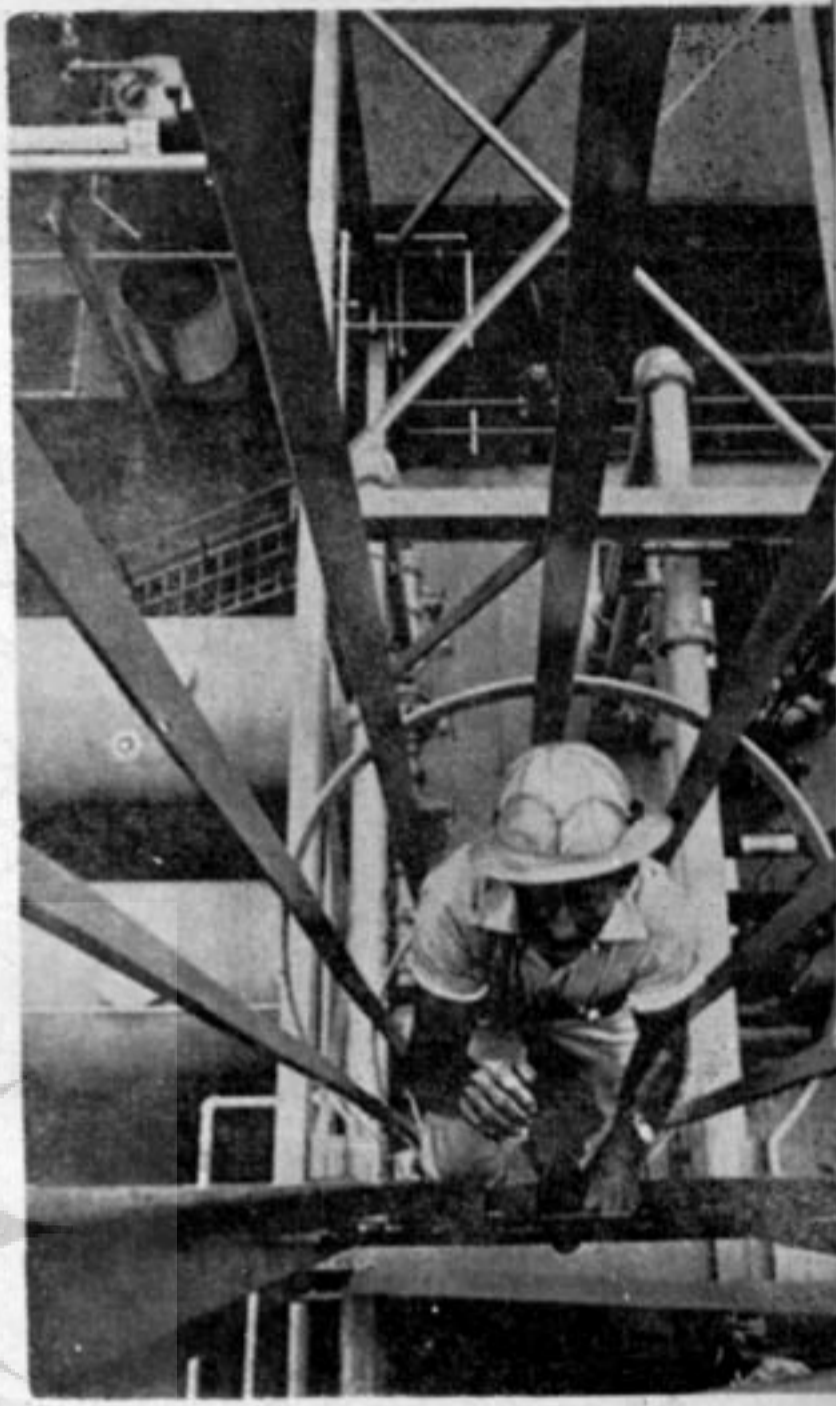


اقتصاد ملی و پیوستگیهای جهانی

ازدکتر علی اصغر صدر حاج سید جوادی

ما بیشتر از آنچه که تصور می کنیم با دنیا بستگی داریم و خیلی بیشتر از انتظار ما سر نوشت و تاریخ ملی ما در تأثیر تحولات جهانی قرار دارد .
 نیاز شدید به تحول و پیشرفت اصل و مایه عصر و زمان ماست زیرا مادر زمانسی زندگی میکنیم که شیوه های قدیم سرمایه داری جهانی که استعمار مظهر بارز آنست در آخرین مراحل سقوط و شیوه های تازه زندگی که آزادی و دموکراسی برجسته ترین معرف آنست در ابتدای سیر صعودی خود میباشد .
 بنا بر این آگاه ترین و عاقلانه ترین برنامه های اقتصادی و اجتماعی مخصوصاً در کشورهای روبه توسعه باید ناظر بر «وضع موجود جهانی» باشد نه «وضع موجود داخلی» این قبیل کشورها . ما حساسیت شدید این «وضع موجود» را حتی در متریقی ترین کشورهای جهان مشاهده میکنیم باین طریق که آن کشورهایی که از نظر روابط قدیمی استعماری خود با کشورهای آسیائی و آفریقائی روح زمان را درك نموده اند بدون ایجاد دردسر و گرفتاری های سیاسی و مخارج هنگفت لشکر کشی و مبارزات نظامی به تدریج «وضع موجود» جهانی را از نظر دادن آزادی و استقلال به ملت ها بر سمیت می شناسند و برواقعیت انکارناپذیر قرن ماکردن می نهند . اما آن قسمت از کشورها که نمی خواهند وضع موجود را شناخته و طرح عاقلانه ای برای تجدید روابط خود با





ملت های جوان بریزند در روز میایونها دلار خرج اشکر کشی میدهند و خود را در مجامع بین المللی و مطبوعات جهانی هدف حملات شدید قرار میدهند و دست آخر هم از جایی پس از جای دیگر بازور رانده میشوند مضافا بر اینکه با این طرز خروج همه پلها پشت سر آنها خراب میشود و حتی راهی برای برقراری رابطه دوستی بر اساس متقابل نیز باقی نماند.

این طرز عمل چیزی جز لجاجت در برابر واقعیت تاریخ نیست. در کشورهای رو به توسعه این شناخت «وضع موجود جهان» و شناسایی آناری که از آن بوضع داخلی مترتب میشود بی اندازه اهمیت دارد زیرا در کشورهای رو به توسعه مجموع روابط اجتماعی و شکل حاکمیت مردم و سنن و آداب و قوانین موضوعه و امر تولید و توزیع ثروت یکجا در تأثیر حتمی و اجتناب ناپذیر این «وضع موجود» قرار میگیرد.

در این جا نکته بسیار مهمی را باید یادآوری کنیم و آن اینست که «وضع موجود جهانی» که مجموعه عوامل و پدیده های تاریخی زمانی ماست برای نفوذ و تحمیل خود قویترین و قاطع ترین وسایل را در اختیار دارد و عامل اصلی این قاطعیت موفقیت شگرف علم و دانش در کوچک کردن جهان و ایجاد سرعت های سرسام آور است.

بنابراین عاقلانه ترین خطه می آنست که اول «وضع موجود جهانی» را با تمام خصوصیات آن بشناسیم و ثانيا «وضع موجود داخلی» را به تدریج با آن هماهنگ نمائیم و بگذاریم که «وضع موجود جهانی» طبق حکم و فرمان تاریخ تأثیر طبیعی خود را بر مجموع روابط اجتماعی ما بنماید و از درها و منافذ طبیعی عبور کند.

بنظر ما طبیعی ترین و اصیل ترین خاصیت «وضع موجود جهانی» را باید قبل از هر چیز دریافت و سپس بسوی آن شتافت زیرا هیچ برنامه اقتصادی و اجتماعی بدون دریافت این خاصیت اصیل و مراعات آن نمیتواند بسامان برسد. این خلدون در اثر گرانهای خود موسوم به کتاب العبر و دیوان العتید و الخیر می نویسد:

«در حکومت هائی که فشار قوانین و مقررات چون بارسنگینی بردوش اجتماع هموار نباشد عوامل ذاتی و اخلاقی مانند شجاعت یا ترس هدایت اجتماع را بعهده میگیرد اکثر بار محدودیتها و محرومیتها بردوش اجتماع هموار نگردد حس اعتماد بنفس در افراد تقویت گشته و جزء فزایل ذاتی آنان میگردد و در نتیجه چنین اجتماعی هیچ عاملی را سدره پیشرفت خود نخواهد داشت ولی اگر از عاب و تخویف جایگزین عوامل اخلاقی گردد فوای افراد اجتماع درهم شکسته و نیروی استقامت آنها در اثر روح افسردگی و خمودت ناشی از ارباب از بین میرود.»

بنظر ما میتوان در این توصیف عالمانه خاصیت اصیل «وضع موجود جهانی» را باسانی دریافت و بدنبال آن خطوط اصلی راه خود را طرح نمود. هدف اصلی و اساسی در نقشه اقتصادی جامع در کشورهای رو به توسعه باید این باشد که ارزش های انسانی گمشده را در افراد جامعه خود برانگیزد و روح یأس و خمودگی را نابود نماید و شهامت اخلاقی و نیروی فکری را در آنها زنده نماید.

هر برنامه کذارى باید شامل سه اصل باشد:

۱- برنامه کذارى اقتصادى برای بالا بردن میزان تولید و عوائد ملی.
۲- برنامه کذارى اجتماعى برای بالا بردن سطح تعلیم و تربیت و رفاه اجتماعى و تقویت بهداشت و بیمه و توسعه خدمات عمومى و ایجاد تسهیلات لازم برای آنکه همه مردم باین گونه خدمات دسترسی داشته باشند.

۳- برنامه کذارى در تنظیم و ترتیب فضای مسکونی و استفاده از زمین.
بنابراین همانطور که ملاحظه میکنیم برنامه کذارى اجتماعى که بخشى از بخشهای سه گانه برنامه کذارى ملی است هدفى جز تهذیب و تربیت مردم و ترقى سطح فکر و شعور اجتماعى آنها ندارد.

ویک مطالعه ساده در طبیعت تحولات جهانی عصر ما نشان میدهد که اصل و اساس محرومیتها و عقب ماندگی ها در کشورهای رو به توسعه همین خمودگی و جبن و افسردگی و ضعف اخلاقی است که نفوذ سیاست های دوپست سید ساله اروپائی در این کشورها این نقائص را بعداعلا رسانده است.

حمله و هجوم هر نهشتی امروز در جهت نابود کردن این روحیه و احیای فضایل انسانی و رشد اخلاقی و نیروی استقامت در میان افراد این ملت ها میباشد. ما این هدف را میتوانیم بمثابه شیرازه همه برنامه های اقتصادى و اجتماعى بنامیم و اگر در اول کار این شیرازه بسته نشود اساس همه برنامه ها خراب است. این شیرازه تنها عامل پیوستگی جهانی است و تنها وسیله ایست که میتواند جهت و خط سیر برنامه های هر ملتی را معرفی نماید.



درد جامعه تنها فقر مادی نیست...

در واقع اساس برنامه اقتصادی ما باید با توجه باصل همبستگی های تاریخی جهانی آزاد کردن همه نیروهای فکری و طبیعی افراد کشور باشد. تردید نیست که روابط اجتماعی و شکل کنونی اقتصاد ما چه در دهات و مزارع و چه در خانه و خانواده و چه در سازمان‌های رسمی و غیر رسمی و چه در قوانین و اصول موضوعه و غیر موضوعه قضائی و اجتماعی قانور نیست که نیروهای خلاقه افراد کشور را در زمینه‌های مختلف فعالیت‌های فکری بکار وادارد. فراموش نشود که درد جامعه ما تنها فقر مادی و بی‌پایین بودن سطح زندگی و قلت در آمد ملی و عدم پوشش اقتصادی نیست و بعبارت دیگر هیچکدام از این‌ها بدون ایجاد عامل اصلی وجود نگاهداشت عامل اصلی طرح قالب نو و تازه‌ای است که بتواند نیروی فکری و جسمی افراد جامعه را بصورت صحیح به فعالیت در آورد.

جامعه ما باید نیروی فکری مستقلی داشته باشد. در شعاع این نیروی ملی باید مفاهیم آزادی و عدالت اجتماعی و پیوندهای ملی تا دورترین زوایای دهکده‌ها و روستاها نفوذ نماید. در جامعه ما باید نویسندگانی بوجود آیند که فکر و کار آنها در بررسی مسائل انسانی شایسته توجه جهان باشد. هنرمندانی تربیت شوند که در رشته‌های مختلف آثار با ارزش عرضه نمایند. محققین و دانشمندیان قدم بعرضه گذارند که در روشنی بخشیدن به زوایای تاریک فکر و اندیشه بشری سهم بسزائی داشته باشند.

مدارس و دانشکده‌ها و آزمایشگاهها و انستیتوها و مراکز علمی و ادبی و هنری و فنی بوجود آیند که ورزیده‌ترین کارشناسان و متفکرین و محققین را تربیت کرده و فکرونبوغ آنها را در خدمت علم و دانش و تقویت نیروی فکری جامعه بکاربرد.

در جامعه ما باید شیوه‌هایی اتخاذ شود که روابط خانواده از نظر شکل قانونی بر اساس محکمی بنا شود. انس و الفت و همبستگی‌های انسانی و فضیلت و تقوای اخلاقی جای خشونت و بداندیشی و بدبینی و حرص و خودپرستی را بگیرد.

جامعه ما باید برنامه اقتصادی خود را طوری تنظیم نماید که حدود و مشخصات تاریخی و ملی مادر خطوط کلی فعالیت‌های صنعتی دیگران محور نباشد و نگردد و دامنه تظاهر و تقلید از زندگی دیگران بحد ابطال نرسد. بدون وجود یک نیروی فکری و اخلاقی مستقل جامعه ما قادر نخواهد بود که قالب و شکلی خاص برای مجموع فعالیت‌های اجتماعی خود بوجود آورد و در آن صورت تزلزل و نوسان از اولین آثار فقدان نیروی فکری و اخلاقی در میان جامعه است.